

چند پرسش در نقد طبقاتی قدرت

بقیه از صفحه ۱۰

در چنین شرایطی آیا استنادی در برابر امپریالیسم به دلیل دفاع از استبداد نهادینه شده، ماهیت ملی دارد؟

در یک کلام، مخالفت در همه حالات با امپریالیسم که شعار مسلط زمان جنگ سرد بود، سالهاست که کاربرد ندارد و مبارزه با امپریالیسم از کانال شعارهای آبکی مرگ بر این و آن فراتر رفته و شکل دیگری به خود گرفته است. زیرا اگر مینا را بر این نوع مبارزه قرار دهیم، مجبور خواهیم شد که تضاد اصلی را در کشوری چون ایران، تضاد خلق و امپریالیسم ارزیابی کنیم. در این صورت نوع و جنس مبارزه ما برای آزادی و دموکراسی که نیاز مبرم جامعه ماست از کانال مبارزه با امپریالیسم می گذرد که ناچار با بخشی از جمهوری اسلامی در یک صف قرار خواهیم گرفت. در چنین صورتی مبارزه ما استقلال طلبانه است. «درحالی که رژیم ایران یک رژیم وابسته به مفهوم کلاسیک آن نیست» و به ظاهر ماهیت ملی به خود می گیرد. در صورتیکه آزادی و دموکراسی شعار یک و محوری مردم در برابر رژیم استبدادی مذهبی ایران است و این محقق نخواهد شد مگر از کانال مبارزه طبقاتی. یعنی، بدون یک صف بندی دموکراتیک و حضور پر رنگ طبقه کارگر و نمایندگان نظری آنها در این جنبش، مشکل بتوان بر استبداد مذهبی حاکم فایق شد.

سالهاست که رژیم جمهوری اسلامی تلاش می کند با طرح یکسری رفرم، مشکلات خود با مردم را حل کند ولی به محض اینکه اهرم فشار نظامی، امنیتی را کمی شل کرده، خود را در آستانه سقوط دیده و به سرعت دست و پایش را جمع کرده و به جای نخست باز گشته است. اما جمهوری اسلامی همزمان سعی می کند با ساختن بحرانهای خارجی و در راس آنها طرح شعارهایی علیه آمریکا در سطح بین المللی، خود را ضد امپریالیست جا بزند و از این راه مشروعیتی که در داخل از آن بی بهره است را در خارج جستجو کند. شیوه شل - کن - سفت - کن رژیم با اروپا و آمریکا و طرح گفتگوی انتقادی با آنها از همین جا سرچشمه گرفته است. بنابراین، این شیوه مبارزه با امپریالیسم که ممکن است در کشورهای دیگر کاربردی داشته باشد، در ایران سالهاست که مردم بهای

سنگینی برای آن پرداخته اند و به سدی در مقابل مبارزات آزادی خواهانه افشار مختلف تبدیل شده است. از این رو، باید با در نظر گرفتن شرایط حال به تحلیل اوضاع پرداخت و موضوعاتی همچون ملی و ملی گرایی و برخورد با امپریالیسم و مبارزه ضد امپریالیستی را باز تعریف کرد. زیرا ناگفته پیداست که این موضوعات بخشی از مشکلات اصلی جریانات پیشرو امروز است. بدون پاسخ درست و اصولی به پرسش هایی از این دست نمی توان همچنان به دنبال نشانه هایی کوچک گشت و آنان را همه موضوع نامید. جستجوی بدون چراغ در تاریکی باعث خواهد شد هرکس برداشت خود را از موضوع مورد مناقشه بیان دارد که راه حلی فرا راه کسی قرار نخواهد داد.

موضوع دیگر، رفرمهایی است که در بخشی از کشورها مورد توجه قرار گرفته و بیش از نیروهای پیشرو، جریانهای خیرساز حاکم بر رسانه های جهانی به آنها می پردازند. موضوع رفرم و شکل و چگونگی آن از نوع نگاه جریانات طبقاتی به آنها تعریف می شود. در جهانی که به سوی یکسان سازی پیش می رود، رفرم هم مفهوم خاص خود را پیدا کرده و با گره خوردن به منافع طبقات اجتماعی بررسی می شود. در حالی که سرمایه تلاش می کند همه اجزای خود را در سرتاسر جهان با یک مرکز هماهنگ سازد، آیا ایستادگی و مقاومت در برابر این یکسان سازی تا کجا دوام خواهد آورد و حدتوان آن چقدر است؟ اگر استبداد ذاتی سرمایه است و گرایش او به سوی آن دایمی است، پس یکی از ارکان رفرم باید تقسیم قدرت و تلاش در جهت بهم ریزی هرم آن باشد. یعنی، گستراندن عرضی قدرت را می توان یکی از ستونهای این مقاومت نامید. حال دولتهای کشورهای نفت خیز که سرمایه های نفتی آنها در دست دولتها متمرکز است، چگونه باید با آن برخورد کنند؟ آیا اختصاص بخشی از درآمد نفتی به بخش رفاه اجتماعی را می توان رفرم نامید؟ در صورتی که در حال حاضر قیمت نفت سیر صعودی دارد، درآمد این کشورها از فروش نفت هم چند برابر شده است و آنان بیش از مبالغ محاسبه شده در بودجه سالانه خود، از محل فروش نفت درآمد دارند. یعنی سرریز این درآمد را صرف رفاه اجتماعی کردن رفرم است یا چیز دیگری؟ و از محل این بذل و بخششها برای دولت خود طرفدار دست و پا کردن و در مقابل جریانات دیگر قد علم کردن، چقدر می تواند برای چنین

اعتراض پرستاران

زینت میرهاشمی

حداقل ۴۴ ساعت کار در هفته، کار چند شیفته در روز، قراردادهای کوتاه مدت که برخی از آنها از ماه فراتر نمی رود، پایین بودن درآمد، نداشتن تعطیلات نوروزی و برخوردار نبودن از مزایای کاری، از جمله موارد مشترکی است که پرستاران را تاکنون به حرکتی اعتراضی کشانیده است. پرستاران به مناسبتهای مختلف، از جمله روز پرستار، برای تحقق مطالبات خود دست به حرکتی اعتراضی و از این میان، تحصن زده اند.

یکی از حرکتیهای اعتراضی پرستاران در ۱۴ تیر انجام شد که پیرامون خواست افزایش حقوق و سخت و زینبار شمردن این حرفه شکل گرفته بود.

اعضای شورای عالی نظام پرستاری، پرستاران را برای تحقق خواسته هایشان، به تحصن اعتراضی در مقابل مجلس فرا خواندند.

بنا بر گزارش ایلنا ۱۸ مهر، خانه پرستار طی بیانیه ای حمایت خود را از این تحصن اعلام کرده است. در این بیانیه به حقوق پایین پرستاران اشاره شده و آمده است که «ملاک پرداخت در کشور ما بر اساس رانت، رابطه و نفوذ است.»

در حالی که فراخوان دهندگان به حرکت اعتراضی مزبور، محل تحصن خود را در مقابل مجلس اعلام کردند، دبیر کل خانه پرستار در گفتگویی با ایلنا اعلام کرد، محل تحصن به روبه روی سازمان مدیریت و برنامه ریزی منتقل شده است. خانه پرستار که در مقابل اقدام اعضای شورای عالی نظام پرستاری به تحصن، در برابر عمل انجام شده ای قرار گرفته است، با صدور بیانیه ای حمایت خود را اعلام کرد. خانه پرستار در بیانیه خود می نویسد: «کار به جایی رسیده که اعضای شورای عالی نظام پرستاری که باید نقش سیاست گذارهای کلان پرستاری را عهده دار باشد، آنقدر عرصه را تنگ دیده که در جلسه تاریخی ۱۱ مهر خود به این نتیجه رسید که خود وارد میدان شود و با تحصن در مقابل مجلس شورای اسلامی به مسوولان ثابت کند دیگر جامعه پرستاری بیش از این تحمل ندارد و موضوع بسیار جدی و حیاتی است.»

۱۹ مهر ۱۳۸۳